

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ویجی پراشاد
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: علی کاظمی
۱۸ مارچ ۲۰۲۵

آیا صلح در اوکراین ممکن است؟



تمام این مسأله به یک بن‌بست تبدیل شده است. نمایش سیاسی در دفتر بیضی‌شکل کاخ سفید مجموعه‌ای از واکنش‌های قابل پیش‌بینی را در سراسر جهان برانگیخت. برخی از واکنش‌ها شامل خشم از رفتار بی‌ادبانه رئیس‌جمهور ایالات متحده، دونالد ترامپ، و احساس شرمندگی برای رئیس‌جمهور اوکراین، ولودیمیر زلنسکی، بودند. سپس، شکست رئیس‌جمهور فرانسه، امانوئل ماکرون، در دستیابی به توافق اروپایی با کیر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا، و زلنسکی، بن‌بست‌های مطلق را که این جنگ فرسایشی در اوکراین با آن روبه‌روست، آشکار کرد. پرسشی که از این بحث‌ها برمی‌آید، ساده است: آیا راهی برای خروج از این جنگ وجود دارد؟

جنگی دانمی

اگر هدف زلنسکی و شرکای اروپایی‌اش از جنگ، تضعیف روسیه یا سرنگونی دولت ولادیمیر پوتین باشد، این جنگ ممکن است تا ابد ادامه یابد یا به سرعت به سناریوی خطرناک و هسته‌ای تبدیل شود. نظرسنجی‌های افکار عمومی در

روسیه نشان می‌دهند که محبوبیت پوتین به ۸۷ درصد رسیده است. این رقم، به هر شکلی که محاسبه شود، بسیار بالاتر از میزان محبوبیت مکرون در فرانسه است. بعید به نظر می‌رسد که روسیه—که اقتصاد آن در طول جنگ مقاومت کرده است—در صورت ادامه درگیری‌ها، دچار ضعف شود.

در مقابل، شواهد نشان می‌دهند که اقتصاد اروپا درگیر تورم ناشی از جنگ است که هنوز کاهش نیافته است. مکرون هوشدار داده که در صورت ادامه جنگ، کشورهای اروپایی مجبور خواهند شد هزینه‌های نظامی خود را به ۳ یا ۳.۵ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش دهند. این وضعیت، سطح زندگی اکثر مردم اروپا را بیش از پیش پائین خواهد آورد.

آیا جوانان کارگر اروپایی حاضر خواهند شد در جبهه خطرناک اوکراین بجنگند، آن هم برای هدفی (تضعیف روسیه) که غیرممکن به نظر می‌رسد؟ احتمالاً خیر. مسأله درون‌گرا دیگر این است که طبقه متوسط اوکراین به اروپا فرار می‌کند، در حالی که از کارگران اروپایی خواسته می‌شود که برای دفاع از آن کشور به جنگ بروند. جنگی دائمی باعث تلفات غیرضروری در اوکراین و یک بحران اقتصادی پایدار در اروپا خواهد شد. علاوه بر این، ایالات متحده نیز حاضر نخواهد شد تا ابد حمایت مالی و نظامی از چنین جنگی را ادامه دهد، و این امر باعث خواهد شد که هرگونه تعهد بلندمدت اروپا به اوکراین فروپاشد.

رامحل کوریایی

اگر اوکراین و روسیه حاضر نباشند به سمت یک آتش‌بس و سپس رامحل مذاکره‌شده (که شامل تضمین‌های امنیتی برای همه طرف‌ها باشد) حرکت کنند، این احتمال وجود دارد که خط مقدم فعلی—که از شمال تا شرق اوکراین امتداد دارد—به یک منطقه غیرنظامی دائمی (DMZ) تبدیل شود. در این سناریو، اوکراین برای همیشه به دو بخش تقسیم خواهد شد و منابع هنگفتی را صرف حفظ یک خط مقدم دائمی خواهد کرد. این محتمل‌ترین سناریو است، هرچند که ممکن است اروپایی‌ها آن را غیرقابل قبول بدانند، زیرا ایجاد «یک کوریا» در اروپا برای آن‌ها خوشایند نخواهد بود. ارتش کوریای جنوبی حدود ۶۰۰ هزار سرباز را در طول مدار ۳۸ م‌نگه می‌دارد، در حالی که حدود ۳۰ هزار سرباز امریکایی نیز در این منطقه مستقر هستند. شرایط در کوریای شمالی نیز مشابه است. سالانه میلیاردها دلار برای نظارت و لجستیک این منطقه حدوداً ۲۳۰۰ کیلومتر مربعی که از نظر اقتصادی بلااستفاده است، هزینه می‌شود. برای اوکراین، اروپا باید برای همیشه هزینه این مدل «کوریایی» را تأمین کند—همان‌گونه که ایالات متحده از کوریای جنوبی حمایت مالی و امنیتی می‌کند و چین نیز نقشی مشابه برای کوریای شمالی ایفا می‌کند.

یک کنسرسیوم امنیتی

«فرابند هلسنکی» که در دهه ۱۹۷۰ برای مذاکره بین ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی آغاز شد و به ایجاد سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE) انجامید، در جنگ اوکراین تقریباً هیچ نقشی برای ایجاد صلح ایفا نکرده است.

تنها میانجی‌هایی که اجازه مذاکره درباره جنگ اوکراین را از جانب زلنسکی داشته‌اند، ایالات متحده، رهبران اروپای غربی، اتحادیه اروپا و ناتو بوده‌اند. کشورهای اروپای شرقی (بجز آن‌هایی که عضو ناتو و اتحادیه اروپا هستند) یا ساکت مانده‌اند یا نظراتشان نادیده گرفته شده است. اما همین کشورهای اروپای شرقی هستند که مستقیماً با روسیه مرز

مشترک دارند و همین کشورها هستند که بیش از همه نیازمند یک کنسرسیوم امنیتی مشترک با روسیه و تضمین‌های متقابل هستند.

کشورهائی که با غرب روسیه مرز مشترک دارند، عبارت‌اند از:

(از شمال به جنوب) ناروی، فنلاند، استونی، لتونی، بلاروس، اوکراین، گرجستان و آذربایجان. (لیتوانی و پولند نیز با استان کالینینگراد، منطقه برون‌بومی روسیه در بحیره بالتیک، مرز دارند)

از این هشت کشور، سه کشور (فنلاند، استونی و لتونی) عضو ناتو و اتحادیه اروپا هستند، در حالی که ناروی عضو ناتو است، اما در اتحادیه اروپا نیست.

آیا امکان دارد این هشت کشور کنفرانسی را با روسیه برگزار کنند تا درباره مسائل امنیتی گسترده‌تر مذاکره کنند، به‌جای این‌که صرفاً بر اوکراین متمرکز شوند؟

در دهه ۱۹۸۰، اولاف پالمه، نخست‌وزیر سویدن، ریاست کمیسیون مستقل خلع سلاح و امنیت را برعهده داشت. گزارش این کمیسیون در سال ۱۹۸۲ با عنوان «امنیت مشترک: برنامه‌ای برای خلع سلاح» بیان می‌کرد که «وظیفه دیپلماسی این است که درگیری‌ها را محدود، تقسیم و کوچک کند، نه این‌که آن‌ها را گسترش دهد و انباشته کند.» به عبارت دیگر، همه مشکلات را نمی‌توان به‌طور هم‌زمان حل کرد.

آتش‌بس، به خودی خود ارزشمند است. باید مسائل را از هم تفکیک کرد و ابتداء بر حل آن‌هائی که ساده‌تر هستند تمرکز کرد تا اعتماد ایجاد شود. اگر تمام مشکلات را در یک مسأله بزرگ خلاصه کنیم، حل آن غیرممکن خواهد شد.

همسایگان روسیه نمی‌توانند جغرافیای خود را تغییر دهند. اوکراین را نمی‌توان به فرانسه منتقل کرد. این کشور باید کنار روسیه باقی بماند. بنابراین، این کشورها باید راهی برای ایجاد اعتماد متقابل پیدا کنند.

نخستین گام این است که ادعای «عدم اعتماد به همسایه» را کنار بگذاریم. اتحادیه اروپا و ناتو بدون حمایت کامل نظامی امریکا نمی‌توانند روسیه را به زانو درآورند.

اگر یکی از کشورهای هم‌مرز با روسیه پیشنهاد ایجاد یک کنسرسیوم امنیتی را بدهد و تضمین‌هائی از ناتو برای عدم گسترش بیشتر به شرق و از روسیه برای عقب‌نشینی نیروهای نظامی‌اش از مناطق مرزی گرفته شود، این گامی در جهت کاهش تشنج‌ها خواهد بود.

هرگونه کاهش تشنج، به نفع بشریت است. اگر چنین توافقی به صلح در اوکراین منجر شود، بسیار بهتر از باقی‌ماندن این جنگ به‌عنوان زخمی دائمی در اروپا خواهد بود.

۱۷ مارچ ۲۰۲۵